

بررسی نقش علاقه اجتماعی و هوش اجتماعی در جامعه‌پذیری دانش آموزان مقطع

متوسطه شهر زاهدان

غلامرضا ثناگوی محرر^۱، محدثه اردونی^۲

۱. استادیار گروه روانشناسی، واحد زاهدان، دانشگاه آزاد اسلامی، زاهدان، ایران.

۲. دانشجوی دکتری روانشناسی تربیتی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد زاهدان، زاهدان، ایران

(نویسنده مسئول).

فصلنامه راهبردهای نو در روان‌شناسی و علوم تربیتی، دوره ششم، شماره بیست و دوم، تابستان ۱۴۰۳، صفحات ۶۶-۷۳

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش علاقه اجتماعی و هوش اجتماعی در جامعه‌پذیری دانش آموزان مقطع متوسطه شهر زاهدان انجام شد. در این پژوهش، روش تحقیق توصیفی از نوع همبستگی و جامعه آماری آن شامل کلیه دانش آموزان مقطع دوره‌ی دوم متوسطه ناحیه ۱ زاهدان با تعداد ۴۵۰۰ نفر بود که با روش نمونه‌گیری طبقه‌ای تصادفی ۳۵۰ نفر به‌عنوان نمونه انتخاب شدند. ابزار اندازه‌گیری شامل پرسشنامه محقق ساخته جامعه‌پذیری براساس پرسشنامه رالف کنز (۱۹۸۸)، هوش اجتماعی تت (۲۰۰۸) و علاقه اجتماعی جیمز کراندال (۱۹۷۵) و پایایی به ترتیب ۰/۸۴۹، ۰/۸۸۹ و ۰/۸۱۲ بود. نتایج آزمون همبستگی نشان داد که بین جامعه‌پذیری، هوش اجتماعی و علاقه اجتماعی رابطه معناداری وجود داشت. همچنین نتایج آزمون رگرسیون گام‌به‌گام نشان داد ۳۱ درصد از تغییرات جامعه‌پذیری توسط دو بعد خودگرایانه و دیگرگرایانه و ۵۷ درصد از تغییرات جامعه‌پذیری توسط دو بعد مهارت و اطلاعات اجتماعی قابل پیش‌بینی بود.

واژه‌های کلیدی: جامعه‌پذیری، هوش اجتماعی، علاقه اجتماعی، نوجوانان و دانش آموزان.

فصلنامه راهبردهای نو در روان‌شناسی و علوم تربیتی، دوره ششم، شماره بیست و دوم، تابستان ۱۴۰۳

مقدمه

هر فردی با فرایند جامعه‌پذیری مواجه می‌شود و از آن طریق شیوه‌های رفتاری را می‌آموزد هرگاه، جامعه‌پذیری ارزش‌ها و هنجارهای جامعه اسلامی به‌خوبی انجام نگیرد یا به‌جای آن ارزش‌ها و هنجارهای دیگری که ناهماهنگ با آن‌ها باشد صورت بپذیرد زمینه کج‌روی فراهم می‌شود. جامعه‌پذیری طی مراحل مختلف سنی خصوصاً کودکی و نوجوانی و نیز در موقعیت‌های گوناگون اجتماعی نظیر خانواده، گروه‌های همسال، دوستان، مدرسه و نظایر آن انجام می‌پذیرد. بدیهی است که نقصان جامعه‌پذیری ارزش‌های اسلامی در هر یک از مقاطع و موقعیت‌ها به معنی یادگیری و جامعه‌پذیری نوعی از انحراف اجتماعی یا دست‌کم عدم هم‌نوایی با آداب‌ورسوم و هنجارهای جامعه اسلامی می‌باشد. علاوه بر خانواده هم‌نشینی با افراد و گروه‌های منحرف هم از زمینه‌های مؤثر بر کج‌روی است (گولدایز^۱ و همکاران، ۲۰۱۸). مکانیزم تأثیرپذیری این عوامل بیشتر از رهگذر عواطف انس و الفت با هم‌نشین انجام می‌گیرد. قران حساسیت لازم را در این رابطه بکار برده و روابط و عواطف فرد را به‌گونه‌ای تنظیم می‌نماید تا زمینه یادگیری انحراف فراهم نیاید. ساختار اجتماعی که مجموعه‌ای از روابط ثابت و الگوهای رفتاری نسبتاً پایدار بین افراد، گروه‌ها و سازمان‌ها است، نقش عمده‌ای در جامعه‌پذیری افراد دارد. هرگاه این مجموعه انسجام خود را از دست بدهد یا فاقد توانایی جهت کنترل اعضای خود باشد یا به هر دلیلی زمینه‌ساز بروز کج‌روی شود، انحراف با توجه به ساختار اجتماعی قابل تبیین می‌گردد. ساخت ناسالم اجتماعی صور مختلفی دارد که یکی از آن‌ها وضعیت انومی است (گرمن^۲ و همکاران، ۲۰۱۸).

هرگاه جامعه‌پذیری ارزش‌ها و هنجارهای جامعه اسلامی و درونی کردن آن‌ها به‌طور کامل انجام نگیرد، نواقص آن باید از طریق مکانیزم نظارت و کنترل اجتماعی جبران شود. جامعه باید مکانیزم‌هایی داشته باشد تا فرد را از ارتکاب نابهنجاری بازدارد. اگر روابط اجتماعی به‌گونه‌ای باشد که اجازه کج‌روی را به افراد بدهد و آن‌ها باکمال بی‌تفاوتی شاهد نابهنجاری یکدیگر باشند چنین ساختار ناسالمی آمادگی برای هر نوع کج‌روی دارد (آقاجانی، ۱۳۸۹).

یگانگی اجتماعی شرط بقای هر جامعه است. ازاین‌رو هر جامعه می‌کوشد با جامعه‌پذیری، اعضای خود را با هنجارها و ارزش‌های اجتماعی آشنا کند و به آن‌ها مطالبی بیاموزد تا بتوانند متناسب با هنجارهای جامعه خود زندگی کنند. اگر فرایند اجتماعی شدن ناموفق باشد و هنجارهای جامعه را ملکه ذهن افراد نکنند، افرادی در جامعه پرورش می‌یابند که به علت درونی نشدن هنجارها، از تخلف و قانون‌شکنی احساس پشیمانی و شرم ساری نمی‌کنند و تنهای نیروی درونی بازدارنده آن‌ها از انحرافات اجتماعی از بین می‌رود (گولد، ۱۳۹۶).

یکی از اهداف عالی‌ه نظام رسمی آموزش و پرورش کشور، اجتماعی کردن صحیح کودکان و نوجوانان است؛ زیرا اجتماعی کردن کودکان موجب ارتقا سازگاری و عملکرد تحصیلی در آنان می‌گردد (شفیع‌آبادی و ناصری، ۱۳۹۷). شواهد زیادی وجود دارد که

^۱ - Gladys

^۲ - Gruman

نشان می‌دهد ویژگی‌های رفتار اجتماعی کودکان در مدرسه و عملکرد تحصیلی او نقش دارند (دوگان و کتین^۱، ۲۰۱۹). از بین تمام سازمان‌هایی که نقش کلیدی در اجتماعی کردن افراد دارند، مدرسه اولین جایگاه رسمی تجربه اجتماعی کودکان است که نقش اساسی در علاقه اجتماعی و سلامت روان دارد که متأسفانه مربیان و معلمان بیشتر وقت خود را صرف یاددهی موضوعات سخت و غیرفعال می‌کنند و از تعلیم و تربیت و اجتماعی بار آوردن دانش آموزان بازمی‌مانند. ازاین‌رو درک اصول روان‌شناسی فردی که به برابری، روابط اجتماعی، علاقه اجتماعی، همکاری، احترام و همدلی می‌پردازد می‌تواند برخی راهبردها را جهت بهبود عزت‌نفس و سلامت روان را در مدرسه فراهم آورد (رجبی، ۱۳۹۸).

دیترمین^۲ (۱۹۸۶) هوش را یک سری از توانایی‌های مشخص و مستقل که به‌عنوان یک سیستم پیچیده فعالیت می‌کنند، تعریف می‌کند. هنگامی که هوش مورد مطالعه قرار می‌گیرد، منظور رفتار یا عملکرد هوشمندانه است (عطادخت، ۱۳۹۳). تأثیر هوش بر رفتار هوشمندانه با حافظه آغاز می‌شود اعمال آموخته‌های قبلی در وضعیت موجود، یعنی توانایی انتقال یا تصمیم‌گیری است. برخی از افراد نسبت به دیگران ظرفیت بسیار بیشتری برای انتقال دارند که نشان از هوش بالای آنان دارد. جنبه‌های دیگر هوش و رفتار هوشمندانه شامل سرعت در رسیدن به راه‌حل‌ها و پاسخ‌ها و توانایی حل مسئله است (گویی، ۲۰۱۶).

زندگی پیچیده امروزی، هر لحظه در حال نوشتن است و هوش و علاقه اجتماعی، ضرورت استمرار زندگی فعال؛ انسان برای خلق نشاط و پویایی در زندگی نیازمند هوش و علاقه است تا انگیزه تنوع‌طلبی خود را ارضا کند. جامعه انسانی برای زنده ماندن و گریز از مرگ و ایستایی به تحول و نوآوری نیاز دارد و امروز در پیش روی مدیران همه سازمان‌ها قرار دارد اما مسئولیت سازمان‌های آموزشی به‌خصوص آموزش و پرورش که وظیفه تعلیم و تربیت فرزندان و آینده‌سازان جامعه را بر عهده دارد، صبغه‌ای دیگر به خود می‌گیرد. ازاین‌رو سازمان‌های آموزشی از یک‌سو وظیفه فراهم آوردن زمینه رشد و پرورش خلاقیت و نوآوری و استفاده صحیح و جهت‌دار از استعدادها و توانایی‌های افراد را بر عهده‌دارند که این خود زمینه‌ساز توسعه فرهنگی، علاقه و جامعه‌پذیری در جامعه است (ندایی، عبدل زاده و آذرنژاد، ۱۳۹۵).

لذا با توجه به این‌که سال‌های نوجوانی یکی از مهم‌ترین دوران زندگی فرد محسوب می‌شود، از یک‌سو نوجوانان باید خود را برای تغییرات سریع جسمانی جنسی، عاطفی و شناختی و اجتماعی آماده سازند و از سوی دیگر بتوانند به‌عنوان یک فرد مستقل روابط را با همسالان و بزرگسالان تغییر دهند و سازگاری اجتماعی پیدا کنند. لازم به نظر می‌رسد که جامعه‌پذیری این قشر بزرگ و حساس جامعه به‌عنوان مسئله‌ی اصلی این پژوهش قرار گیرد و عوامل مؤثر بر جامعه‌پذیری دانش آموزان شناخته شود و در جهت تقویت اجتماعی شدن این قشر حساس و بزرگ اقدام گردد؛ بنابراین پژوهش حاضر به دنبال بررسی رابطه بین علاقه اجتماعی و هوش اجتماعی در جامعه‌پذیری دانش آموزان مقطع متوسطه شهر زاهدان می‌باشد.

^۱ - Gruman

^۲ . Dithromine

روش پژوهش

در این پژوهش، روش تحقیق توصیفی از نوع همبستگی و جامعه آماری آن شامل کلیه دانش آموزان مقطع دوره‌ی دوم متوسطه ناحیه ۱ زاهدان با تعداد ۴۵۰۰ نفر بود که با روش نمونه‌گیری طبقه‌ای تصادفی ۳۵۰ نفر به‌عنوان نمونه انتخاب شدند. ابزار اندازه‌گیری شامل پرسشنامه محقق ساخته جامعه‌پذیری براساس پرسشنامه رالف کنز (۱۹۸۸)، هوش اجتماعی تت (۲۰۰۸) و علاقه اجتماعی جیمز کراندال (۱۹۷۵) و پایایی به ترتیب ۰/۸۴۹، ۰/۸۸۹ و ۰/۸۱۲ بود.

یافته‌ها

جدول ۱. ماتریس همبستگی بین علاقه اجتماعی و جامعه‌پذیری

| متغیرهای پژوهش | | خودگرایانه | دگرگرایانه | علاقه اجتماعی |
|----------------------------|---------------|------------|------------|---------------|
| رابطه اجتماعی | ضریب همبستگی | ۰/۳۰۴** | ۰/۳۹۲** | ۰/۳۸۴** |
| | سطح معنی‌داری | ۰/۰۰۱ | ۰/۰۰۱ | ۰/۰۰۱ |
| | تعداد | ۳۵۰ | ۳۵۰ | ۳۵۰ |
| ** معناداری در سطح ۹۹ درصد | | | | |

نتایج جدول ۱ در خصوص بررسی رابطه بین ابعاد علاقه اجتماعی (خودگرایانه و دگرگرایانه) و جامعه‌پذیری دانش آموزان نشان می‌دهد که بین ابعاد علاقه اجتماعی (خودگرایانه و دگرگرایانه) و جامعه‌پذیری دانش آموزان همبستگی مثبت و معنی‌داری در سطح ۹۹ درصد وجود دارد؛ بنابراین با ۹۹ درصد اطمینان می‌توان نتیجه گرفت که از بین ابعاد علاقه اجتماعی، بعد دگرگرایانه رابطه بیشتری با جامعه‌پذیری دانش آموزان دارد.

همچنین در رابطه بین علاقه اجتماعی و جامعه‌پذیری نتایج نشان داد که بین علاقه اجتماعی و جامعه‌پذیری همبستگی مثبت و معنی‌داری در سطح ۹۹ درصد وجود دارد؛ بنابراین با ۹۹ درصد اطمینان می‌توان نتیجه گرفت که با افزایش علاقه اجتماعی، جامعه‌پذیری دانش آموزان نیز افزایش می‌یابد.

جدول ۲. ماتریس همبستگی بین هوش اجتماعی و جامعه‌پذیری

| متغیرهای پژوهش | | اطلاعات اجتماعی | مهارت اجتماعی | آگاهی اجتماعی | هوش اجتماعی |
|----------------------------|---------------|-----------------|---------------|---------------|-------------|
| رابطه اجتماعی | ضریب همبستگی | ۰/۵۸۷** | ۰/۴۱۶** | ۰/۰۶۸ | ۰/۴۲۹** |
| | سطح معنی‌داری | ۰/۰۰۱ | ۰/۰۰۱ | ۰/۲۰۶ | ۰/۲۰۶ |
| | تعداد | ۳۵۰ | ۳۵۰ | ۳۵۰ | ۳۵۰ |
| ** معناداری در سطح ۹۹ درصد | | | | | |

نتایج جدول ۲ در خصوص بررسی رابطه بین ابعاد هوش اجتماعی (اطلاعات اجتماعی، مهارت اجتماعی، آگاهی اجتماعی) و جامعه‌پذیری دانش آموزان نشان می‌دهد که بین دو بعد از هوش اجتماعی (اطلاعات اجتماعی، مهارت اجتماعی) و جامعه‌پذیری دانش آموزان همبستگی مثبت و معنی‌داری در سطح ۹۹ درصد وجود دارد؛ اما بین آگاهی اجتماعی و جامعه‌پذیری رابطه معناداری وجود ندارد.

جدول ۳. شاخص‌های کفایت مدل بین ابعاد علاقه اجتماعی و جامعه‌پذیری

| مدل | ضریب همبستگی | ضریب تعیین | ضریب تعیین تعدیل‌شده | انحراف خطا |
|----------------|--------------|------------|----------------------|------------|
| ۱. دیگرگرایانه | ۰/۳۹۴ | ۰/۱۵۵ | ۰/۱۵۳ | ۰/۴۲۳ |

همان‌گونه که جدول شماره ۳ نشان می‌دهد تحلیل رگرسیون تا یک مرحله پیش رفته است.

در مرحله اول متغیر دیگرگرایانه وارد مدل می‌شود که میزان ضریب همبستگی (R) آن با جامعه‌پذیری برابر ۰/۳۹۴ شده است، در این مرحله ضریب تعیین برابر با ۰/۱۵۵ و ضریب تعیین تعدیل‌شده برابر ۰/۱۵۳ می‌باشد به این معنی که ۱۵ درصد از تغییرات جامعه‌پذیری توسط بعد دیگرگرایانه تعیین‌شده است. جدول (۴) معناداری ضرایب رگرسیون را به ترتیب ورود در مدل نشان داده است.

جدول ۴. ضرایب رگرسیون

| مدل | ضرایب خام | | ضریب اصلاح‌شده | t | سطح معنی‌داری |
|-------------|-----------|------------|----------------|-------|---------------|
| | بتا | خطای معیار | بتا | | |
| مقدار ثابت | | ۰/۱۶۲/۴۷ | | ۱۵/۰۸ | ۰/۰۰۱ |
| دیگرگرایانه | | ۰/۰۴۰/۳۵ | ۰/۳۹۴ | ۷/۹۹ | ۰/۰۰۱ |

نتایج جدول ۴ حاکی از آن است که مقدار بتا برابر با ۰/۳۹۴ و آماره تی در سطح ۹۹ درصد ($p < ۰/۰۱$) برابر با ۷/۹۹ می‌باشد؛ بنابراین می‌توان گفت مؤلفه دیگرگرایانه در پیش‌بینی جامعه‌پذیری دانش‌آموزان نقش داشته است.

جدول ۵. شاخص‌های کفایت مدل بین ابعاد هوش اجتماعی و جامعه‌پذیری

| مدل | ضریب همبستگی | ضریب تعیین | ضریب تعیین تعدیل‌شده | انحراف خطا |
|--------------------|--------------|------------|----------------------|------------|
| ۱. اطلاعات اجتماعی | ۰/۵۸۷ | ۰/۳۴۴ | ۰/۳۴۳ | ۰/۳۷۲ |

همان‌گونه که جدول شماره ۵ نشان می‌دهد تحلیل رگرسیون تا یک مرحله پیش رفته است. در مرحله اول متغیر اطلاعات اجتماعی وارد مدل می‌شود که میزان ضریب همبستگی (R) آن با جامعه‌پذیری برابر ۰/۵۸۷ شده است، در این مرحله ضریب تعیین برابر با ۰/۳۴۴ و ضریب تعیین تعدیل‌شده برابر ۰/۳۴۳ می‌باشد به این معنی که ۳۴ درصد از تغییرات جامعه‌پذیری توسط بعد اطلاعات اجتماعی تعیین‌شده است.

جدول ۶. ضرایب رگرسیون

| مدل | ضرایب خام | | ضریب اصلاح‌شده | t | سطح معنی‌داری |
|-----------------|-----------|------------|----------------|-------|---------------|
| | بتا | خطای معیار | بتا | | |
| مقدار ثابت | | ۰/۱۳۱/۹۱ | | ۱۳/۷۲ | ۰/۰۰۱ |
| اطلاعات اجتماعی | | ۰/۰۳۰/۴۷ | ۰/۵۸۷ | ۱۳/۵۲ | ۰/۰۰۱ |

نتایج جدول ۶ حاکی از آن است که مقدار بتا برابر با ۰/۵۸۷ و آماره تی در سطح ۹۹ درصد ($p < ۰/۰۱$) برابر با ۷/۵۲ می‌باشد؛ بنابراین می‌توان گفت مؤلفه اطلاعات اجتماعی در پیش‌بینی جامعه‌پذیری دانش‌آموزان نقش داشته است.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش علاقه اجتماعی و هوش اجتماعی در جامعه‌پذیری دانش‌آموزان مقطع متوسطه شهر زاهدان انجام شد. نتایج نشان داد با استفاده از آزمون همبستگی پیرسون معنی‌دار بودن رابطه بین هوش اجتماعی با جامعه‌پذیری دانش‌آموزان بررسی شد و مورد تأیید قرار گرفت. این رابطه مثبت بود. از آنجاکه چنین پژوهشی تاکنون در ایران انجام‌نشده یا پژوهشگر

نتوانست پژوهشی با این متغیرها بیابد، لذا پژوهش هم‌خوان با این نتیجه یافت نشد در تبیین این نتیجه می‌توان گفت که هوش اجتماعی (توانایی به‌کارگیری احساسات و عواطف) برای تسهیل حل مسئله در کارایی افراد و جامعه‌پذیری نقش مهمی ایفا می‌کند. گسترش عواطف مثبت در افراد جامعه، همکاری و مشارکت آنان را تسهیل کرده و تعارض را کاهش می‌دهد و میزان کارایی‌شان را بهبود می‌بخشد. یافته‌های این فرضیه با پژوهشی که توسط ذولفقاری و علی نیا (۱۳۸۹) تحت عنوان بررسی تأثیر نهاد خانواده و مدرسه بر جامعه‌پذیری دانش آموزان مقطع متوسطه منطقه رودهن صورت گرفته است. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که بین مؤلفه‌های نهاد خانواده و مدرسه با نوع جامعه‌پذیری دانش آموزان تفاوت معنادار وجود دارد. با مقایسه ضریب همبستگی بین تأثیر نهاد خانواده بر جامعه‌پذیری دانش آموزان (۰,۲۶) با ضریب همبستگی تأثیر نهاد مدرسه بر جامعه‌پذیری دانش آموزان (۰,۱۵) می‌توان گفت که شدت تأثیر نهاد خانواده بر جامعه‌پذیری دانش آموزان بیشتر از شدت تأثیر نهاد مدرسه است، همسویی دارد.

با استفاده از آزمون همبستگی پیرسون معنی‌دار بودن رابطه بین علاقه اجتماعی با جامعه‌پذیری دانش آموزان بررسی شد و مورد تأیید قرار گرفت. این رابطه مثبت بود. از آنجاکه چنین پژوهشی تاکنون در ایران انجام نشده یا پژوهشگر نتوانست پژوهشی با این متغیرها بیابد، لذا پژوهش هم‌خوان با این نتیجه یافت نشد. در تبیین این نتیجه می‌توان گفت که علاقه اجتماعی، تلاش فرد برای رسیدن جامعه به آرمان‌ها و اهدافش و مقدم دانستن نیازهای جامعه بر نیازهای فرد و خواسته‌هایش است. از سوی دیگر جامعه‌پذیری فرایند مستمر یادگیری است که به‌موجب آن افراد ضمن آشنا شدن با نظام اجتماعی از طریق کسب اطلاعات و تجربیات به وظایف، حقوق و نقش‌های خویش در جامعه پی می‌برند. در این فرآیند ارزش‌ها، هنجارها، اعتقادات و آداب‌ورسوم از نسلی به نسل دیگر انتقال می‌یابد و امکان دارد در جریان این انتقال، تغییر و تبدیل‌هایی صورت پذیرد. این جریان از طریق کنش متقابل اجتماعی صورت می‌پذیرد و مردم به‌وسیله آن شخصیت خود را به دست آورده و شیوه زندگی جامعه خود را می‌آموزند. جامعه‌پذیری فرد را به آموختن هنجارها، ارزش‌ها، زبان‌ها، مهارت‌ها، عقاید و الگوهای فکر و عمل که همگی برای زندگی اجتماعی ضروری می‌باشد، قادر می‌سازد. لذا می‌توان گفت که احتمالاً علاقه اجتماعی به فرآیند جامعه‌پذیری کمک کرده یا تسهیلگر این امر باشد.

یافته‌های این فرضیه با پژوهشی که توسط پژوهشی توسط عزیز خانی (۱۳۹۴) تحت عنوان بررسی عوامل مؤثر بر علاقه‌مندی دانش آموزان به مدرسه صورت گرفته است؛ و نتایج تحلیل نشان داد نمره کارایی عمومی، وضعیت اقتصادی خانواده، فضای فیزیکی مدرسه پوشش یکنواخت دانش آموزان با میزان علاقه دانش آموزان به مدرسه رابطه دارد؛ همسویی دارد. نتایج رگرسیون همزمان برای پیش‌بینی جامعه‌پذیری دانش آموزان نشان می‌دهد که هوش اجتماعی ۳۳ درصد واریانس نمرات جامعه‌پذیری دانش آموزان را پیش‌بینی می‌کند. در تبیین این نتیجه می‌توان گفت که هوش اجتماعی میزان تبحر لازم برای ایجاد، حفظ و گسترش ارتباطات را به فرد می‌دهد. گسترش این ارتباطات و کسب مهارت‌های ارتباطی مؤثر سبب تعاملات اجتماعی بیشتر فرد شده و مهارت‌های اجتماعی و به‌تبع آن جامعه‌پذیری اجتماعی افراد را افزایش خواهد داد. لذا هوش اجتماعی بیشتر جامعه‌پذیری بیشتری را در افراد به دنبال خواهد داشت.

یافته‌های این فرضیه با پژوهشی که توسط فریدونی (۱۳۹۴) تحت عنوان بررسی تأثیر برنامه‌های درسی پنهان بر میزان جامعه‌پذیری دانش آموزان مدارس تیزهوشان صورت گرفته است و یافته‌ها نشان می‌دهند که رابطه معناداری میان ارزش‌ها و هنجارهای حاکم بر مدارس تیزهوشان و میزان جامعه‌پذیری دانش آموزان تیزهوش وجود دارد. از دیگر نتایج جالب توجه، رابطه معکوس میان میزان روابط دبیران و مسئولان مدرسه با اولیای دانش آموزان و میزان جامعه‌پذیری آن‌هاست. دو خرده مقیاس روابط دبیران با یکدیگر و روابط اولیا در خانواده تأثیر چندانی بر میزان جامعه‌پذیری دانش آموزان نداشته؛ اما رابطه میان دانش آموزان با یکدیگر و تأثیر این روابط بر میزان جامعه‌پذیری آن‌ها از سطح معناداری مطلوبی برخوردار بوده است. نتایج سنجش رابطه میان نوع نگرش دانش آموزان مدارس استعدادهای درخشان به برجسب تیزهوش بودن و میزان جامعه‌پذیری آن‌ها نیز از سطح معناداری مطلوب برخوردار بوده، اما شدت این رابطه نسبتاً ضعیف ارزیابی شده است، همسویی دارد.

نتایج رگرسیون همزمان برای پیش‌بینی جامعه‌پذیری دانش آموزان نشان می‌دهد که علاقه اجتماعی ۱۵ درصد واریانس نمرات جامعه‌پذیری دانش آموزان را پیش‌بینی می‌کند. در تبیین این نتیجه می‌توان گفت که علاقه اجتماعی اگرچه مطالبی نظیر همکاری، روابط اجتماعی، همانندی با گروه، همدلی و غیره را در برمی‌گیرد، ولی به عقیده آدلر معنی و مفهوم آن بسیار وسیع‌تر است و آن کمک مداوم فرد به جامعه است تا هدف جامعه کاملاً تأمین و تحصیل شود که از این منظر علاقه اجتماعی جامعه‌پذیری اجتماعی را پیش‌بینی کرده و سبب افزایش جامعه‌پذیری در افراد می‌گردد.

یافته‌های این فرضیه با پژوهشی که توسط قربانی و جمعه نیا (۱۳۹۷) تحت عنوان نقش عوامل اجتماعی (خانواده، مدرسه و گروه همسالان) در جامعه‌پذیری دانش آموزان استان گلستان صورت گرفته است و یافته‌ها نشان داد بین گروه همسالان، خانواده، مدرسه و جامعه‌پذیری رابطه همبستگی مثبت و معنی‌داری وجود داشت. همچنین بین گروه‌های سنی مختلف و جنس (دختر و پسر)، تفاوت معناداری در جامعه‌پذیری وجود داشت. در خاتمه همچنین خانواده، پیش‌بینی‌کننده جامعه‌پذیری دانش آموزان گزارش شد. نتایج این پژوهش با پژوهش‌های بسیاری هم‌خوان بود. در دوره جدید، تغییرات چشمگیری در عوامل جامعه‌پذیری صورت گرفته است؛ به‌طوری‌که امروزه، حضور در فضای مجازی هم بر فرد جامعه‌پذیر و هم دیگر عوامل جامعه‌پذیری تأثیر گذاشته است. وزن و ترکیب عوامل جامعه‌پذیری (خانواده، مدرسه، همسالان) در سه دوره سنی، مدرن اولیه و مدرن متأخر دگرگون شده است؛ اما همچنان نقش خانواده منحصربه‌فرد و بی‌بدیل مانده است؛ همسویی دارد.

منابع

- آقاجانی، نصرالله. (۱۳۸۹). استراتژی قرآن در مواجهه با انحرافات اجتماعی، فصلنامه کتاب زنان، ۱۹، ۵۶.
- شفیعی‌آبادی، عبدالله؛ ناصری، غلامرضا. (۱۳۹۷). نظریه‌های مشاوره و روان‌درمانی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- عزیز خانی، عباس. (۱۳۹۴). بررسی عوامل مؤثر بر علاقه‌مندی دانش آموزان به مدرسه، سومین کنفرانس ملی توسعه پایدار در علوم تربیتی و روانشناسی، مطالعات اجتماعی و فرهنگی.
- عطادخت، اکبر. (۱۳۹۳). ارتباط میزان علاقه اجتماعی با سلامت عمومی سالمندان غیرمقیم و مقیم در مراکز سالمندان شهرستان اردبیل (سلامت عمومی سالمندان)، آموزش بهداشت و ارتقای سلامت ایران (فارسی)، ۳(۲)، ۱۰-۱.

- فریدونی، لایلا (۱۳۹۴). بررسی تأثیر برنامه‌های درسی پنهان بر میزان جامعه‌پذیری دانش آموزان مدارس تیزهوشان مشهد، نشریه خانواده و پژوهش، ۲۷، ۱۵-۳۰.
- قربانی، علیرضا؛ جمعه نیا، سکینه. (۱۳۹۷). نقش عوامل اجتماعی (خانواده، مدرسه و گروه همسالان) در جامعه‌پذیری دانش آموزان استان گلستان. منبع: جامعه‌شناسی کاربردی، ۲ (پیاپی ۷۰).
- گولد، جولیس؛ کولب، ویلیام. (۱۳۹۶). «فرهنگ علوم اجتماعی»، مترجمان: زاهدی و دیگران، نشرمازیار.
- لطف‌آبادی، حسین. (۱۳۸۰). روانشناسی رشد (۱). تهران: سمت.
- ندایی، ناصر؛ عبدل زاده، عباس؛ آذرنژاد، کریم (۱۳۹۵)، واکاوی عوامل و موانع رشد خلاقیت در نظام آموزشی، هفتمین کنفرانس بین‌المللی روانشناسی و علوم اجتماعی، تهران، شرکت همایشگران مهر اشراق.
- Dogan, T. & Çetin, B., (2009). Validity, Reliability and Factorial Structure of the Turkish Version of the Tromsø Social Intelligence Scale, Educational Sciences: Theory & Practice, 9 (2), 709-720.
- Gao, J. (2016). A Model of Organizational Socialization and Turnover Intention International Journal of E-Business Development, 1, 22-25
- Gladys, SL., Frank, JH., & Amy, HW. (2018). Exploring the relationships of physical activity, Emotional intelligence and health in Taiwan College Students. *Journal of Exercise Science and Fitness*, 7(1), 55-63.
- Gruman, J.A., Saks, A.M., Zweig, D.I. (2006). Organizational socialization tactics and newcomer proactive behaviors: An integrative study, *Journal of Vocational Behavior*, 69, 90-104.